

## سیر تاریخی علم پزشکی در اساطیر ایران باستان با رویکردی به دوره سامانیان

عبداله طلوعی آذر<sup>۱</sup>، عبدالناصر نظریانی<sup>۲</sup>، شهناز پسندیده<sup>۳\*</sup>

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۰۹/۰۴

## چکیده

**پیش‌زمینه و هدف:** پزشکی از پراسابقه‌ترین علوم بشری بوده و قدمتی به بلندای تاریخ بشریت دارد؛ و از آنجاکه با حیات و بقای بشر در ارتباط است از جایگاه ویژه‌ای در سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی برخوردار می‌باشد. بررسی‌های تاریخی ریشه علم پزشکی را با مذاهب، اساطیر، سنت‌ها و آداب‌ورسوم بشری مرتبط می‌داند به‌طوری‌که در کتاب اوستا علاوه بر جلوه‌های اساطیری پزشکی، نوع خاصی از پزشکی و بهداشت در ایران باستان دیده می‌شود. از این‌رو با توجه به این قدمت، دانش پزشکی در سیر تاریخی خود دستخوش تغییرات اساسی شده است، که در این میان در دوره سامانیان با ظهور پزشکان نامی همچون محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا علم پزشکی وارد عرصه جدیدی از حیات خود گردیده که به دلیل تأثیر انکارناپذیر این دوره بر غنای علوم، به‌خصوص علم طب که در ادوار بعدی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار گشته است. بر این اساس محقق در مطالعه حاضر درصدد بررسی اهمیت و جایگاه علم پزشکی در دوره سامانیان تحت تأثیر پزشکی ایران باستان می‌باشد.

**مواد و روش کار:** روش به‌کاررفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مربوط به موضوع از طریق بررسی کتابخانه‌ای گردآوری و پس از فیش‌برداری اقدام به تحلیل مواد خام شده است. منابع مورداستفاده از لحاظ تقدم و تأخر تاریخی و اهمیت و اعتبار، طبقه‌بندی و مورد ارزیابی قرار گرفته و تا حد امکان در تدوین این اثر بر منابع دست‌اول و اصلی تأکید شده است.

**یافته‌ها:** سامانیان برای تدام تلاش‌های فرهنگی خود، به زنده کردن نمادهای باستانی مبادرت ورزیدند. رویکرد سامانیان به ریشه‌های فرهنگ ایرانی نه‌تنها در پزشکی، ادبیات، موسیقی، و صنایع‌دستی نمودار بود؛ بلکه در داروسازی و علم شیمی هم قابل‌مشاهده است.

**بحث و نتیجه‌گیری:** با نگاهی اجمالی به اسناد برجای‌مانده از دوره باستان به‌خوبی اهمیت دانش و آموزش پزشکی در میان ایرانیان مشخص می‌شود. بی‌تردید این توجه و اهتمام به آموزش علم طب در دوران اساطیر ایران باستان و دوره‌های بعدی از جمله دوره سامانیان نشان‌دهنده پویایی فرهنگ و تمدن ایران‌زمین در طول تاریخ در مقایسه با فرهنگ‌ها و تمدن‌های هم‌عصر خود است. آثار گران‌بهای محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا طب زمان سامانیان را به طب خاص بین‌المللی تبدیل کرد. نقش ممتاز و ماندگار پزشکان و داروسازان این دوره در احیای فرهنگی علم پزشکی فراموش‌نشده است.

**کلیدواژه‌ها:** علم پزشکی، ایران باستان، اساطیر، دوره سامانیان

مجله پزشکی ارومیه، دوره بیست و نهم، شماره دهم، ص ۷۶۲-۷۵۶، دی ۱۳۹۷

آدرس مکاتبه: ارومیه، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، حوزه معاونت آموزشی، تلفن: ۰۹۱۴۱۴۹۱۶۰۹

Email: Shahnaz.pasandideh@yahoo.com

## مقدمه

پزشکی در ایران باستان داشته است. در ایران باستان قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت در اوستا وجود داشته و چنین به نظر می‌رسد زمانی که سایر ممالک فاقد تشکیلات طبی بودند در ایران درباره بهداشت و حقوق اطبا و بیطارها (دام‌پزشکان) دستورالعمل‌های دقیقی ارائه شده است (۱۵).

تاریخ پزشکی از کهن‌ترین و درعین‌حال از پیچیده‌ترین تاریخ‌های بشری به شمار می‌رود و قدمت آن به حیات انسان بازمی‌گردد. ایران باستان هم به لحاظ دانش و هم به لحاظ دارا بودن طبیبان حاذق، زبانزد بوده و دستیابی به ترقیات پزشکی آشوریان، بابلیان و یونانیان طی قرون متمادی نیز نقش عمده‌ای در پیشرفت

<sup>۱</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات، ارومیه، ایران

<sup>۲</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات، ارومیه، ایران

<sup>۳</sup> دانشجوی دوره دکتری، زبان و ادبیات فارسی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

بر طبق اساطیر ایران، جمشید، چهارمین پادشاه پیشدادی، چون پادشاهی کارآمد و مدبر بود، کمر همت به آبادانی جهان بست و به مردم یاری داد که به جای زندگی در غارها، برای خود خانه بسازند و هنر و مفهوم سلامتی را به ایشان آموخت (۱۶). به اعتبار شاهنامه، جمشید گیاهان دارویی معطر را شناخت و پزشکی را سروسامان داد، بیماری‌ها را تشخیص داد و به درمان آن‌ها پرداخت و بنابر روایتی علم پزشکی در دوره جمشید پدیدار شد (۴).

طیب بزرگی که در طب زردشت به نام «ثریت» است در اساطیر ایرانی رزمنده و پزشک است و کسی است که در حقیقت مخترع علم طب و کشنده روح خبیث است که همان انگره مینو است، علاوه بر آن دهنده هوم و سازنده تریاق نیز هست (۵). در کتاب مقدس زردشتیان آمده است که اهورامزدا کاردی مرصع به ثریته عنایت کرد تا با آن عمل جراحی انجام دهد (۲۰).

در فروردین یشت فقره ۱۳۱ آمده است: «فرور پاک دین، فریدون، از خاندان آبتین را می‌ستاییم از برای ایستادگی بر ضد گرمی و تب سرد». غیر از ثریته، که به نظر می‌رسد همان فریدون است، نام دو تن در تاریخ پزشکی ایران باستان پس از ثریته دیده می‌شود که یکی «یما» جمشید، (Yema) و دیگری «تراتاونا» (Thraetaona) است. اولی توانسته است بیماران مبتلا به امراض پوستی و استخوانی و دندان‌ها را از افراد سالم مجزا دارد و دومی ستاره‌شناس و سازنده هوم و تریاق و پزشک حاذقی است (۲۰).

مواردی از پزشکی آیینی - اساطیری را می‌توان در زندگی زردشت مشاهده کرد؛ بدین گونه که لحظه تولد زردشت، مادرش از درخشندگی بسیاری برخوردار شد، دیوان برای از بردن زردشت، زمستان، بیماری و دشمنان را بر «دوغدو» فرستادند. قبل از تولد زردشت دیوان تصمیم گرفتند «دوغدو» را به تب تند و درد آزاردهنده‌ای دچار کنند. آن‌ها این کار را کردند و دوغدو خواست که نزد پزشکان جادوگر برود، اما ایزدان او را منع کردند و توصیه نمودند که دستش را بشوید و هیزمی در دست بگیرد و روغن گاو و گوشت بر آتش بگذارد و روغن را بر شکم خود بمالد و بر آن آتش، گوشت و روغن را داغ کند و در بستر استراحت کند تا خود و فرزندش از بیماری رها شوند و با این اعمال زردشت به سلامت متولد شد (۳).

زردشت خود در پزشکی و طبیعت‌شناسی تبحر داشت و از طریق خواندن اوراد دینی به دفع بیماری‌ها و بلاها و از بین بردن «خرفستران» توانا بود (۲). نکته‌ای که در پذیرش اولین دعوت دین زردشت از سوی گشتاسب آمده است تأکید بر مهارت زردشت در پزشکی می‌نماید. پس از آنکه اهورامزدا اسرار دین را بر زردشت آشکار ساخت، روحانیان و جادو پزشکان به مخالفت با زردشت پرداختند؛ بدین ترتیب زردشت رهسپار دربار گشتاسب می‌شود، اما دشمنی‌های مخالفان او را وارد زندان می‌کند تا این‌که روزی اسب

قدیمی‌ترین اشاره‌ها به علم پزشکی و فنون آن در نوشته‌های ایران باستان، مطالبی است که در بخش‌هایی از اوستا، کتاب مقدس زردشتیان، و برخی متن‌های فارسی میانه (پهلوی) مانند کتاب بندش و دینکرد، که بخشی از ادبیات زردشتی محسوب می‌شوند بر جای مانده است.

قدمت دانش و به تبع آن دانش پزشکی به بلندای تاریخ بشریت است، از زمانی که انسان خود را اسیر در پنجه درد و بیماری دید، درصدد چاره و راهی از آن برآمد، و مجموعه یافته‌ها و تلاش وی در این زمینه آغازی بر دانش پزشکی شد. تا چندین سده پیش از میلاد اثری از رخنه طب یونانی به ایران دیده نمی‌شود، آثار ورود آن از سده پنجم پیش از میلاد و هم‌زمان با تشکیل پادشاهی هخامنشی و برخورد و آمیختگی فرهنگ‌های ایرانی و یونانی دیده می‌شود. از سوی دیگر قرار گرفتن فلات ایران بین دو تمدن درخشان هند و بین‌النهرین موجب تبادل فرهنگی با این سرزمین‌ها بوده است (۲۱). دو ویژگی بارز پزشکی در ایران باستان توجه به بهداشت محیط و پیشگیری از بیماری‌ها بوده، از دیگر جلوه‌های پزشکی ایرانی آشنایی با گیاهان دارویی است که از آن‌ها برای درمان بیماری‌ها بهره می‌بردند (۲۱). دانشگاه جندی‌شاپور از مراکز آموزش پزشکی، در اواخر دوره حکومت ساسانیان در ایران بوده که سال‌ها پس از اسلام نیز همچنان فعال و پابرجا بود.

با نگاهی اجمالی به اسناد برجای‌مانده از دوران باستان مشخص می‌شود که تاریخ پزشکی ایران زمین به علت کمبود منابع مکتوب به سه دوره محدود شده است و دارای سه مکتب پزشکی مزديسنا، سده اکباتان و جندی‌شاپور است. قدیمی‌ترین نوشته‌های مربوط به بهداشت و پزشکی بخش‌هایی از اوستا و متن‌های فارسی میانه است که خیلی پیش‌تر از مکاتب طبی یونان در عالم وجود داشته‌اند؛ پزشکان ایرانی در زمینه ساخت مراکز درمانی و توسعه و تجهیز بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی نیز از ملل و اقوام پیشرو محسوب می‌گردند.

## مواد و روش کار

روش به‌کاررفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مربوط به موضوع از طریق بررسی کتابخانه‌ای گردآوری و پس از فیش‌برداری اقدام به تحلیل مواد خام شده است. منابع مورد استفاده از لحاظ تقدم و تأخر تاریخی و اهمیت و اعتبار، طبقه‌بندی و مورد ارزیابی قرار گرفته و تا حد امکان در تدوین این اثر بر منابع دست‌اول و اصلی تأکید شده است.

## یافته‌ها

دستور داد تا آثار متعدّد یونانی و هندی را، که درباره مباحثی مانند پزشکی، نجوم، فلسفه و ..... بود، ترجمه کنند (۷)؛ اما باین حال اصول طب ایران کاملاً زردشتی و مبتنی بر روایات اوستایی بود. ضمن این که تا حدی نیز تحت تأثیر طب به اصطلاح یونانی آن دوره نیز قرار گرفته بود (۱۴). در جندی شاپور آموزشگاه و بیمارستانی تأسیس شده بود و در طی چندین قرن از بزرگ‌ترین مراکز علمی مشرق به شمار می‌رفت (۱۳، ۱۷). در اوایل دوران ساسانیان بود کهمانی پیامبر ظهور کرد. به گفته‌مانی، «او پزشکی بود از بابل زمین» (bizeskhemanbabelzamig). مانی از طریق حرفه پزشکی خویش توانست ردّ پای مهم در اجتماع و در دربار ساسانی به جا بگذارد (۷) و احتمالاً شهرت وی در پزشکی تأثیر مهمی در محبوبیت وی در اذهان مردم و به‌ویژه در شهر جندی شاپور، از مراکز مهم پزشکی، داشت. در دربار ساسانی به‌غیر از پزشکان ایرانی از پزشکان غیر ایرانی (انیرانی) نیز استفاده می‌شد. از جمله پزشکان انیرانی در زمان ساسانیان می‌توان به تئودورس، پزشک یونانی دربار شاپور دوم، اشاره کرد. شاپور برای او کلیسایی برپا کرد و طبق درخواست او عده‌ای از هم‌وطنانش را که در اسارت بودند آزاد کرد (۱۷). در دوران یزدگرد اول (۳۹۸-۴۲۰ م.) و پس از آن نیز پزشکان انیرانی در دربار و شهرهای مهم ساسانی مشغول به کار بودند. بدین روی پزشکی در دوران ساسانی تأثیراتی از طب سایر ملل گرفت و ایرانیان طبی را ابداع کردند که خاص خودشان شد، به طوری که از طب یونانی و هندی نیز برتر شد (۱).

در بین پادشاهان ساسانی خسرو انوشیروان اهمیت بسیاری به امر پزشکی و درمان می‌داد. او در سال ۵۳۳ م. پیمان صلحی با رومیان بست. برخی بر آن‌اند که یکی از دلایل این صلح علاقه خسرو به پزشک معالج پدرش، یعنی استفانراوی بود. انوشیروان همچنین در جندی شاپور بیمارستان بزرگی که از پیش بود گسترش و وسعت داد. همچنین، دستور داد اطلاعات طب و نجوم را جمع‌آوری کنند و کتاب‌های ارسطو و افلاطون و نیز کتاب کلیله و دمنه را به پهلوی ترجمه کنند (۸). انوشیروان که علاقه بسیاری به علم و دانش از خود نشان می‌داد و می‌خواست تا با گردآوردن دانشمندان و پزشکان بر شکوه و اهمیت دربار خویش بیفزاید، برای پیشرفت آموزشگاه و بیمارستان جندی شاپور هم گام‌های بزرگی برداشت. در نیمه اول قرن پنجم میلادی واقعه‌ای اتفاق افتاد که بر اعتبار و اهمیت علمی جندی شاپور افزود و آن مهاجرت عده‌ای از مسیحیان نسطوری از آسیای صغیر بود که در این شهر اقامت گزیدند و چون در بین ایشان دانشمندان و پزشکی هم یافت می‌شدند که با خود کتاب‌های چندی در طب و فلسفه آورده بودند و به تدریس آن‌ها پرداختند؛ از این رو رونق مدرسه جندی شاپور روزافزون گردید (۱۷).

سیاه گشتاسب دچار بیماری خاصی شده، دانایان و پزشکان آن زمان نمی‌توانند اسب را معالجه کنند. گشتاسب چاره درمان را در زردشت دیده و او را از زندان آزاد می‌کند و زردشت اسب سیاه را درمان می‌نماید (۲). از مواردی که پزشک بودن زردشت را به خوبی گواهی می‌دهد این است که روزی زردشت نابینایی را دید و سفارش کرد که برای درمان نابینا گیاهی را برگرفتند و شیرهاش را در چشم او ریختند، این کار صورت گرفت و کور بینا شد.

دیگر نمونه مهم از پزشکی اساطیری ایران را می‌توان در به دنیا آمدن رستم مشاهده کرد. در تولد رستم، رودابه، رنج بسیار می‌بیند. درد و رنج رودابه او را از خود بی‌خود می‌کند. زال درمانده، پر سیمرغ را آتش می‌زند، موبد بر بالین آمده که در آن زمان به امر پزشکی نیز می‌پرداخته است. در نتیجه با کمک پر سیمرغ و راهنمایی‌های موبد با شکافتن پهلوی رودابه، رستم به دنیا می‌آید و پس از این عمل، پر سیمرغ را به جای زخم می‌مالند و رودابه بهبود می‌یابد (۱۲). همچنین در نبرد رستم و اسفندیار که رستم و اسب او رخس، آسیب می‌بینند و زخمی می‌شوند، زال با آتش زدن پر سیمرغ برای درمان آن‌ها اقدام می‌کند، در درمان رستم و رخس شیوه‌های درمان در ایران باستان یعنی جراحی و درمان گیاهی و دعا درمانی کاملاً هویداست. سیمرغ با منقار پیکان‌های رستم و رخس را بیرون می‌کشد، خون درون زخم‌ها را می‌مکد تا موجب عفونت نشود و دستور می‌دهد که شیر را که نوعی داروست، بر آن‌ها بمالند و پر خود را بر زخم‌ها می‌مالد تا به بیماران روحیه دهد (۱۲).

یکی دیگر از موارد پزشکی اساطیری ایران درخواست رستم برای نوشداروست. غم‌نامه معروف رستم و سهراب در دوران کیکاووس رخ می‌دهد. رستم پس از ضربه زدن به سهراب و شناختن فرزندش، از گودرز می‌خواهد که پیامش را به کیکاووس برساند و نوشدارو برای سهراب فراهم کند. نوشدارو به باور پیشینیان دارویی بود که زخم‌های سخت را با آن درمان می‌کردند و بیمار نزدیک به مرگ را نجات می‌دادند (۱۱، ۱۲).

در ایران باستان طلسم و اوراد و اذکار و ادعیه مانند سایر اقوام، معتبر به شمار می‌رفته است و عموم موبدان علاوه بر آنکه مردمان روحانی و حکمای قوم بودند، اطبای جسم انسان نیز به شمار می‌رفتند (۲۰)؛ اما اصولاً کلمه طبیب و جدا ساختن خرافات و موهومات از درمان و واگذاری آن را به طبیب در طب زردشت و مکتب مزدیسنا می‌بینیم (۲۰).

طب و طبابت در دوره ساسانی در مقایسه با دوره پیش از خود درخشش فراوانی در تاریخ ایران داشت و در این دوره به پیشرفت پزشکی و علاقه شاهنشاهان به پزشکی و صحبت از بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی درمانی و حتی گردهمایی‌هایی در زمینه پزشکی بسیار در منابع برمی‌خوریم؛ شاپور اول، دومین شاهنشاه ساسانی،

درازدت در طبابت خانه و مراکزهای طب بغداد و خراسان تشکیل می‌داد (۲۲).

دوره حکومت سامانیان، زمان احیای زبان فارسی بود. نیاکان مادر یک مدت کوتاه در تمام شاخه‌های علم و فن و ادبیات کامیابی‌های مهمی به دست آوردند. در این دوره علم طب احیاء شد و برای تربیت پزشکان و معالجه بیماران بخش‌های مختلف علم طب نقش مهمی داشتند.

۱- تأسیس بیمارستان‌ها: طبق اسناد و مدارک در عصر رسامانی مریضخانه‌ها در شهرهای ری، بلخ، مرو، نیشابور و اصفهان و شاید در شهرهای دیگر مرکزی سامانیان ایجاد شدند که در هر یک از آن‌ها پزشکان با تجربه کاری کردند.

۲- طب درباری یا عائلوی: در دوره حکومت سامانیان در اکثریت شهر و دهات پزشکان بیماران را در خانه معالجه می‌نمودند. حکیمان نامی یا بلندپایه در دربار حاکمان و ثروتمندان همچون طبیب درباری خدمت می‌کردند.

۳- داروخانه‌ها: در بازار، خیابان و راسته‌های شهرها و دیه‌های بزرگ دکان‌های زیاد دارو فروشی بودند. هر پزشک در حوالی دکان‌ها حجره مخصوصی داشت که در آن برای تهیه و نگاه‌داشتن مواد درمانی و داروهای آماده تلاش می‌کرد. از شهرهای مهم دولت سامانیان به ممالک عرب، هندوستان و چین در شیشه و کوزه‌ها، گلاب، سیماب یا نوشادر برده و از آن کشورها به وطن خود داروهای خارجی را وارد می‌نمودند.

۴- تربیت پزشکان: نسل نوری پزشکان در زمان سامانیان نزد استادان طب دانش اندوخته و یا در مدرسه‌ها آموزش می‌دیدند. پزشکان اساساً فرزندان خویش و اقربا یا شخصیت‌هایی را که از کشور دیگر می‌آمدند قبول می‌کردند. در مکتب‌های «استاد-شاگرد» بعضاً شاگرد همچون اعضای خانواده در منزل استاد اقامت کرده، به او فرزندان خدمت می‌کرد و تمام علوم نظری و عملی طب را می‌آموختند.

امرای سامانی در بخارا و دیگر شهرهای خراسان و ماوراءالنهر مجموعه جدید آموزش - مدرسه‌ها - تأسیس نمودند (۱۸). در این دانشکده‌ها جوانان در ردیف دیگر علم‌های زمان حتماً علم طب را از آثار بقراط، جالینوس، محمد ذکریای رازی و دیگر پزشکان زمان خود می‌آموختند. برای تکمیل و رشد نظریه تجربه پزشکان از یک مرکز علمی سامانیان به دیگر مرکز آن و یا به کشورهای خارجی و یا به هندوستان رفته چند مدتی را نزد حکیمان بزرگ آن کشور به تحصیل علم طب می‌پرداختند.

طب زمان سامانیان از تمام خرافه‌های مذهبی و نژادی خالص بود و از پزشکان می‌خواست که طبق سوگند بقراط، شریعت اسلام، حکمت‌های رازی و ابن‌سینا و پندنامه پزشکی اهوازی به هر بیمار

از وقایع مهم پزشکی در دوره انوشیروان تشکیل کنفرانس پزشکی است. انوشیروان دستور داد تا برای بحث و گفتگو درباره مسائل پزشکی کنفرانسی از کلیه پزشکان کشور در جندی‌شاپور تشکیل شود. ریاست این کنفرانس بر عهده پزشک مخصوص شاه «جبرئیل» بود. او از خاندان بختشیوع و رئیس پزشکان ایران بود. بختشیوع موقعیت خود در دربار انوشیروان را مدیون معالجه شیرین، از زن‌های مسیحی شاه، می‌دانست (۱۳).

تنها پزشک ساسانی که از روایت‌ها نام او باقی‌مانده «برزویه» است که برخی بزرگمهر را همان شخص می‌دانند. او سال‌ها وزیر انوشیروان بود و به درخواست انوشیروان به هند رفت. باب برزویه طبیب ضمن شرح مسافرت‌های بزرگمهر نوشته شد و از زبان برزویه سعی کرد حکمت و حرفه پزشکی را بر مبنای علوم تجربی قرار دهد و از شیوه مذهبی زمان جدا کند (۱).

سفر برزویه را به ریاست هیئتی از پزشکان ایرانی به هندوستان باید از گام‌های مهمی شمرد که در این دوره برای پیشرفت علم طب و ترقی جندی‌شاپور برداشته شده است و بر اهمیت و سرمایه علمی آموزشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور بسی افزود (۱۷). در دانشگاه جندی‌شاپور به طب یونانی و هندی نیز پرداخته می‌شد و دانشمندان یونانی و هندی در آن مشغول به کار بودند. علاوه بر این، پزشکی زردشتی و ایرانی نیز رایج بود (۱). رئیس طبقه پزشکان را به لقب «دژست بد» می‌خواندند و چون دانشمندترین ایشان به این مقام برگزیده می‌شد، پزشک مخصوص شاه نیز بود و ریاست بیمارستان جندی‌شاپور را، که پزشکان داخلی و خارجی در آن مشغول به کار بودند، بر عهده داشت (۶).

ایرانیان در علوم پیشرفت‌های سریع کردند و روش‌های جدید برای معالجه بیماری‌ها و اصول یدآوری به وجود آوردند تا جایی که معالجات آنان بالاتر از معالجات یونانیان و هندیان شناخته شد. به‌علاوه پزشکان جندی‌شاپور روش‌های علمی اقوام دیگر را می‌پذیرفتند و آن‌ها را با تجربیات و اکتشافات خود تلفیق می‌کردند و تغییر می‌دادند. برای فن طبابت مقرراتی وضع نموده و کارها و مطالعات علمی خود را یادداشت و ثبت می‌کردند (۹).

طب زمان سامانیان بی‌شک پایه بزرگ‌ترین طب قدیمی شرق و غرب را تشکیل می‌دهد. کامیابی‌های بی‌نظیر آن، مخصوصاً آثار محمد زکریای رازی و ابوعلی سینا طب زمان سامانیان را به طب خاص بین‌المللی تبدیل کرد. کتاب و رساله‌های پزشکان دوره سامانی در رشد علم طب و عموماً در احیای فرهنگی بشریت سهم بسزایی داشته‌اند. طب در زمان سامانیان حادثه تصادفی یا خرافاتی نبود، بلکه دارای تاریخ عمیق علمی بوده، و زمانی رشد کرد که پایه و اساس آن را تجربه قریب به ۴۰۰ ساله طب ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴) مخصوصاً تجربه بیمارستان و مدرسه پزشکی جندی‌شاپور و تجربه

ساخته بود. پیشرفت پزشکی ساسانی به‌گونه‌ای بوده است که بیماران از سایر ملت‌ها به مراکز درمانی ساسانی آورده می‌شدند و تحت درمان قرار می‌گرفتند و درحالی‌که اکثر ممالک فاقد تشکیلات طبی بودند، ایرانیان کاملاً به مسائل بهداشتی و پیشگیری بیماری‌ها اشراف داشتند.

دقت در انتخاب پزشک، اهمیت مسئله‌ی اخلاق پزشکی و تخصصی بودن شاخه‌های پزشکی خود به‌نوعی دال بر این ادعاست. اهمیت به اخلاق پزشکی و درمان بدون در نظر گرفتن مزد پزشک ازجمله مسائلی است که می‌تواند معرف فرهنگی غنی در میان ایرانیان باستان و الگویی برای اخلاق پزشکی در جامعه کنونی باشد. به دنبال ایجاد نهضت علمی و فرهنگی در عصر ساسانی و برقراری فرهنگی میان ایران و سایر کشورها، پزشکی به اوج پیشرفت خود رسید. طبقات مختلف پزشکان، نحوه درمان، دستمزد پزشکان و حتی شرایط اشتغال پزشکان به‌طور کامل در متون اوستایی ذکر شده است. با تأسیس دانشگاه «جندی‌شاپور» در عصر ساسانی ورود پزشکان به این دانشگاه، مکتب پزشکی ایرانی «گندی‌شاپور» به اوج شهرت خود رسید. جندی‌شاپور در تحولات دولت ساسانی از زمان شاپور اول (۲۷۳-۲۴۱ م) دومین پادشاه ساسانی مطرح گردید.

بر طبق اساطیر ایرانی، ایرانیان باستان بیماری‌ها و درمان آن را می‌شناختند چنان‌که سابقه‌ی پزشک و پزشکی در ایران اساطیری به دوران نخستین سلسله‌ی پیشدادیان برمی‌گردد. بر طبق اساطیر ایران، جمشید چهارمین پادشاه پیشدادی، مفهوم سلامتی را به مردم آموخت. مطالعه کتاب اوستا، گذشته از جلوه‌های اساطیری پزشکی، نشان‌دهنده‌ی وجود نوعی پزشکی و بهداشت در ایران باستان می‌باشد که در قیاس با دنیای قدیم پیشرفته محسوب می‌شده است. در دوره سامانیان نیز بی‌شک طب پایه بلندترین طب قدیمی شرق و غرب را تشکیل می‌داد. آثار گران‌بهای محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا طب زمان سامانیان را به طب خاص بین‌المللی تبدیل کرد. پزشکان و داروسازان این دوره سهم به‌سزایی در احیای فرهنگی بشریت داشتند.

بدون توجه به ملت و مذهبش، ثروتمند و فقیر خدمت نماید. معروف‌ترین قافله‌سالاران طب سامانیان ابوبکر محمد ابن زکریای رازی و ابوعلی حسین ابن عبدالله ابن‌سینا بود. این دو عالم در سرزمینی به رشد رسیده‌اند که مردم آن از قدیم‌الایام دارای غنی‌ترین فرهنگ و طب است. از زمان زردشت و هخامنشیان و به‌خصوص در دوره سامانیان درباریان به طب، بهداشت و تربیت پزشکان دقت جدی می‌کردند (۱۹).

پزشکان برجسته مثل طبری، اهوازی، ابومنصور قمری، ابوسهل مسیحی با تعلیمات خود در رواج و رونق طب دوره سامانیان نقش بزرگی داشتند و نقش دسته دیگر پزشکان خراسانی مانند ابومنصور موفق هروی، ابوبکر رابع بخارایی و حکیم میسری، در تاریخ فرهنگ ما آن است که آن‌ها از اولین مصنفان کتاب‌های طبی به زبان تاجیکی می‌باشند. میراث طبی پزشکان زمان سامانیان خیلی غنی بوده، آثارشان را با دو زبان عربی و فارسی تاجیکی با نظم و نثر تألیف نموده‌اند. طب در زمان سامانیان به اولین مشعل طب شرق و استوارترین پایه و رهنمایی طب غرب تبدیل شد. پیروان آن در خراسان و ماوراءالنهر از سید اسماعیل جرجانی (۱۱۳۷-۱۰۴۵) تا شهزاده محمد بدخشی (وفاتش ۱۹۳۷) صدها کتاب و رساله‌های جالب در بخش‌های گوناگون طب به زبان فارسی تاجیکی تألیف نموده‌اند. پزشکان از حدود ایران و آسیای میانه برخاسته و به علت‌های گوناگون رو به هندوستان آورده و راه محمد زکریای رازی و ابن‌سینا را ادامه دادند، و بزرگ‌ترین مرکزهای طبی را تأسیس کردند. آن‌ها در برابر ترجمه و شرح آثار رازی و ابن‌سینا در طول قرن سوم و چهارم اثرهای زیادی طبق نظریه پزشکان سامانی به زبان فارسی به وجود آوردند. این میراث فرهنگ طبی پایه طب رازی و ابن‌سینا را قوی‌تر نموده است (۲۲).

## بحث و نتیجه‌گیری

ارتباط جدایی‌ناپذیر پزشکی و آموزه‌های دینی در ایران باستان موجب التزام پزشکان آن دوره به اخلاق و معنویات شده و از آنان هم چون "دین مردان" الگویی شایسته برای سایر اقشار جامعه

## References:

1. Elgod S. Iran medical history, Translated by Mohsen Javidan, Tehran: Eghbal Publication; 1974. P. 13-18, 15-16, 85-90.
2. Amoozgar J, Tafazzoli A. Iran Ancient history. Tehran: SAMT; 1995. P.35-75.
3. Amoozgar J, Tafazzoli A. Zoroaster's life mythology. Tehran: Cheshmeh Avishan Publication; 1996. P. 32-5.
4. Balami AAM. Balami history by modifying MuhammadTaghiBahar. Tehran: 1974. P. 88-9.

5. Boyes M. Zoroaster religious history, Translated by HomayoonSanatizadeh. Tehran: Toos Publication; 1995. p.140.
6. Taffazzoli A. Literature history before Islam; JalehAmoozgar. Tehran: Sokhan Publiucation; 1968. P. 148, 564-565.
7. Daryaei T. Sasanid Kingdom, Translated by Morteza Saghebfar. Tehran: Toos Publication; 2005. P. 63-66, 79.
8. Zeydan J. Islam civilization history, Translated by Ali JavaherKalam. Tehran: Amir Kabir; 1973. P. 547.
9. Sami A. Iran medical in Sasanid era; People and art magazine. 1970. p.7.
10. Pythagoras journey at Iran. Translated by Yoosof Etesami. Tehran: Book world; 1987. P.25-6.
11. Shoar J. Rostam & Sohrab tragedy; Hassan Anvari; Tehran: Nasher Publication; 1984. P. 159-60.
12. Ferdoosi A. Shahnameh based on Joule Mell version; Abdollah Akbarian rad. Tehran: Bahar; 1995. P.148-248, 900.
13. Gafati JA. Governores history; Translated by MahinDarayi. Tehran: Tehran University; 1968. P. 132-133, 148.
14. Christian S. Iran at Sasanid era; Translated by Rashid Yasami. Tehran: Book world; 2000. P.549.
15. Mali Y. Medical moral history at Ancient Iran; Foroohar Journal 2009; 433: 6.
16. Moghaddasi, Motahhar bin Taher. Albida and history; Translated by Muhammadreza Shafie Kadkani. Tehran: Agah Publication; 1995.
17. Mohammadi M. Iran culture before Islam and it's effect in Islamic civilization and Arabic literature. Tehran: Tehran University; 1995. p.235.
18. Nezami Arooz Samarqandi; 4 articles; Doshanbeh, Erfan, 1986; pp. 102-131
19. Najmabadi M. Medical history in Iran. Tehran: Tehran University Publication; 1992. P.507.
20. Najmabadi M. Medical history in Iran. Honarbaksh Publication; 1962. P.154-170, 176-177, 179.
21. Najmabadi M. Medical history in Iran., Tehran: Tehran University Publication; 1992. P.340-8.
22. Noor Aliev Y. Samanid and Tajik Persian civilization revival (Medicine and Medical in Samanis era) Tajikistan Republic Science Academy, Dooshanbeh, Niakan cultural Publication office. Tehran: Peyvand Publication; 1998. P. 307-12.

## HISTORICAL CIRCUIT OF MEDICAL SCIENCE IN THE ANCIENT IRAN: A SURVEY TO SAMANID ERA

*Abdollah Tolooeiazar<sup>1</sup>, Abdolnaser Nazariani<sup>2</sup>, Shahnaz Pasandideh<sup>3</sup>*

*Received: 02 Sep, 2018; Accepted: 25 Nov, 2018*

### **Abstract**

**Background & Aims:** Medicine is one of the most important sciences of human knowledge and also it has communication with human life and survival and contains special position in the social institutes and organizations. Historical investigators relate medical science root to religion, mythology, traditions and human ceremonies and manners. In Avesta scripture, we can observe medical mythology scenes that show the attention of people in Ancient Iran to hygiene and medical patterns. According to the ancient case, medical science in the historical era faced basic changes. In Sasanid era, famous physicians such as Muhammad Ibn-e- Zakarya and Abu Ali Sina provided inevitable outcomes to sciences enrichment. So authors in current study investigated medical science position in Sasanid era.

**Materials & Methods:** This study was analytical- descriptive. Related information of the subjects was gathered by library investigation and the information was analyzed in raw data after fishing. Used references according to primitive and last historical importance and validity were classified and evaluated.

**Results:** Samanids tried to survive the ancient symbols by continuing cultural affairs. Samanids survey is observable in the Iranian cultural roots, medical, literature, music, handicrafts, medicine and chemistry science.

**Conclusion:** By browsing the remained documents from the ancient era, we can determine the importance of the medical training and knowledge. Attention to medical science training in Iran ancient era and next stages such as Sasanid era show Iranian civilization and cultural dynamic against other contemporary civilizations and cultures. The valuable work of Muhammad Ibn-e- Zakarya and Abu Ali Sina changed Sasanid medicine to international level. The main role of physicians is not forgotten in the cultural revival of medical science.

**Keywords:** Medical science, Ancient Iran, Mythology, Sasanid era.

**Address:** Urmia, Medical Science University, Training assistant field

**Tel:** +989141491609

**Email:** Shahnaz.pasandideh@yahoo.com

SOURCE: URMIA MED J 2019; 29(10): 762 ISSN: 1027-3727

<sup>1</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Urmia University, Faculty of Literature, Urmia, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature, Urmia University, Faculty of Literature, Urmia, Iran

<sup>3</sup> PhD Student, Persian Language and Literature, Urmia, Iran (Corresponding Author)